

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث پنجم: خیلی وقت ها شخص چیزی را به دین نسبت می دهد و اتفاقا آنچه که نسبت داده مطابق با واقع در می آید؛ آیا این مصداق تشریح و حرمت است یا نه؟

آقای نائینی بحث را با این عنوان مطرح کرده است: آیا حکم عقل به قبح تشریح طریقی است یا غیر طریقی؟

مراد از طریقی: حکم عقل در موردی، یک واقعی داشته باشد به طوری که ممکن است درک عقل مطابق واقع شود و ممکن است مطابق نشود...؛ قهرا در صورت عدم مطابقت بحث پیش می آید که حکم وجود دارد یا نه؟ که گوییم حکم وجود ندارد. مراد از غیر طریقی: آنجا که حکم عقل الا ای حال موجود است و کشف خلاف در آن مصداق ندارد. مثال: حکم عقل به قبح تصرف در مال دیگران، که حرمت شرعی تصرف را به دنبال دارد؛ حال اگر شخصی فکر کرد این مال، مال غیر است و تصرف کرد بعد معلوم شد مال خودش بوده، آیا قبح تصرف و حرمت در این صورت هست یا نه؟

به قول مرحوم شیخ انصاری در این صورت می شود قبح فاعلی را پذیرفت اما قبح فعلی وجود ندارد لذا مرحوم نائینی از تعبیر طریقی استفاده می کند و می فرماید حکم عقل در برخی موارد طریقی است یعنی واقعی دارد که قد یصیبه و قد لا یصیبه. به عبارت دیگر: واقعی دارد که گاه با آن مطابق است و گاهی کشف خلاف می شود و مطابق نیست. قبح عقل به تصرف در مال غیر طریقی است یعنی: واقعی دارد که قد یصیبه و قد لا یصیبه؛ و در مثال ما شده لا یصیبه چرا که شخص در مال خودش تصرف کرده نه در مال غیر. نائینی اسم این را احکام عقلی طریقی می گذارد.

اما گاهی حکم عقل طریقی نیست؛ یعنی راه به واقع ندارد بلکه واقع خود است به همین خاطر کشف خلاف متصور نیست مثل تشریح. مرحوم نائینی تشریح را اینگونه معنا کرد: اسناد مطلبی به شارع بدون علم. بیان مطلب: اگر کسی مطلبی را به شارع نسبت دهد و بعد معلوم شود اسنادش درست بوده، در این صورت اسناد من غیر علم همچنان صادق است و لذا کار این فرد در هر صورت حرام بوده است.

مثال: کسی قضاوت بدون علم می کند و قضاوتش هم مطابق با واقع در می آید در این صورت باز قضاوت من غیر علم صادق است.

نکته: اصولا تمام جاهای که حکم عقل به حالات انسان خورده باشد حکم غیر طریقی است. مثال: کسی روزه می گیرد با علم به اینکه روزه برایش ضرر دارد بعد معلوم می شود روزه ضرر نداشته؛ در این صورت روزه باطل است، چرا که موضوع وجوب روزه دوری از ضرر بوده نه خود ضرر.

مثال دیگر: در شک در نمازهای سه رکعتی نماز باطل می شود و لذا بعد از نماز سه رکعتی کسی حق ندارد اینگونه بگوید من فهمیده ام سه رکعت خوانده ام و کشف خلاف شده و نمازم را تکرار نمی کنم چرا که اصلا کشف خلاف معنا ندارد. بله اگر کسی در معنای خوف اشتباه کند و فکر کند ترس 2% هم خوف است در مورد چنین شخصی کشف خلاف معنا دارد. اکثر علمای ما در باب نماز مسافر ملاک را ضرر می دانند نه خوف ضرر، لذا اگر کسی با علم به اینکه سفر خطرناک است مسافرت بکند و بعد انکشاف خلاف شود در این صورت سفر او مصداق سفر حرام نخواهد بود و نمازش کامل نمی شود.

مرحوم نائینی: احکام عقلی دو قسم هستند:

1) طریقی: کشف خلاف دارد

2) غیر طریقی: کشف خلاف ندارند

ادامه کلام مرحوم نائینی: بعضی وقت ها احکام عقلی داریم که نمی دانیم از قسم اول است یا دوم؟ در این صورت عقل می گوید از باب دفع ضرر محتمل، اقدام بر عملی که ایمن از ضررش نیستی قبیح است.

خلاصه کلام مرحوم نائینی: بدعت و تشریح علی ایّ حال قبیح و حرام است (چه بعدا معلوم شود کار اسم مصدری درست بوده یا درست نبوده). از نظر مصدری در هر صورت کار زشت است همان قبح فاعلی اما در صورت اسم مصدری ، اگر کار مطابق واقع بود قبح فعلی ندارد. استاد: این سخن مرحوم نائینی است که مرحوم امام خمینی نقل می کند.

مرحوم امام در انوار الهدایة سخن نائینی را حتی قابل شنیدن هم نمی داند و می فرماید: چه کسی گفته تشریح واقع ندارد؟ چه کسی گفته تشریح کشف خلاف ندارد! تشریح یعنی ادخال ما لیس من الدین فی الدین است. در صورتی که یصیبه باشد (یعنی مطابق واقع در بیاید) که چیزی را شخص داخل در دین نکرده است.

ایشان ادامه می دهد اتفاقا، تشریح نظیر تصرف در مال غیر است و در تشریح هم ما تصرف در حق ما للغير- خداوند- می کنیم. ما در اینجا با دو بزرگوار حرفهای داریم اولاً: با سخن نائینی کار داریم و بعد با نقد کلام ایشان.

استاد: اینکه ما احکام عقلی را دو قسم کنیم قابل مناقشه نیست و مرحوم امام هم اشکالی به این کبری نکرده اند. البته مراد موضوع است نه احکام و در واقع موضوع تقسیم شده است حتی بالاتر می گوئیم این تقسیم برای مصداق است.

الحمد لله رب العالمین